



Feasibility of International Legal Unity of Official Documents (from Hypothesis to Reality)

Ali Jalilian¹, Dariush Shahriari^{2*}, Hamid Azizi Moradpour³

1. PhD Student in International Law, Department of International Law, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish, Iran.

2. Assistant Professor of Law, Department of International Law, Bandarabbas Branch, Islamic Azad University, Bandarabbas, Iran.

3. Assistant Professor of Law, Department of International Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 417-434

Article history:

Received: 12 Mar 2024

Edition: 22 May 2024

Accepted: 18 Jul 2024

Published online: 5 Nov 2024

Keywords:

International Law, Uniform Laws, Harmonization, Treaties, International Organizations.

Corresponding Author:

Dariush Shahriari

Address:

Iran, Bandarabbas, Islamic Azad University, Bandarabbas Branch, Department of International Law.

Orchid Code:

0009-0000-3463-4521

Tel:

Email:

shahriari137@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Laws and regulations to regulate social relations are different according to the characteristics and needs of societies. Convergence of laws through uniformity or harmonization with the advancement of technology, diversity and expansion of communication is one of the necessities of today's world and it leads to credibility, trust in legal exchanges, psychological security, preservation and promotion of human rights as the ultimate goal of international law. The purpose of this article is the feasibility of international legal unity of official documents.

Materials and Methods: This article is descriptive-analytical. Also, this research has investigated the international legal unity of official documents based on assumptions and facts in the form of documentary and library studies with a practical purpose.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: Investigations show that the occurrence of obstacles and challenges in this direction, despite slowing down the process, has never succeeded in stopping it. In addition, the formation of conventions and treaties and the establishment of international organizations are effective methods of rule-making and creating harmonized laws among countries.

Conclusion: The results showed that the creation of legal unity in the international realm and in different branches, as an action that helps the world to achieve peace and security, as well as relying on international legal principles and a realistic attitude. Looking at the events, it will lead to uniformity and harmonization of international laws.

Cite this article as:

Jalilian A, Shahriari D, Azizi Moradpour H. Feasibility of International Legal Unity of Official Documents (from Hypothesis to Reality). *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



امکان‌سنجی وحدت حقوقی بین‌المللی اسناد رسمی (از فرضیه تا واقعیت)

علی جلیلیان^۱، داریوش شهریاری^{۲*}، حمید عزیزی مرادپور^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، گروه حقوق بین‌الملل، واحد بین‌الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.
۳. استادیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: قوانین و مقررات جهت تنظیم روابط اجتماعی، به تبع خصوصیات و نیازهای جوامع متفاوت است. تقارب قوانین از طریق یکسان و یا هماهنگ‌سازی با پیشرفت تکنولوژی، تنوع و گسترش ارتباطات از ضروریات دنیای کنونی بوده و موجبات اعتبار، اعتماد در تبادلات حقوقی، امنیت روانی، حفظ و ارتقای حقوق بشر بعنوان مقصد نهایی حقوق بین‌الملل می‌گردد. وجود ضروریات حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی، مشوق کشورها برای استقبال از این مهم است. هدف مقاله حاضر، امکان‌سنجی وحدت حقوقی بین‌المللی اسناد رسمی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر، توصیفی-تحلیلی است. هم‌چنین، این پژوهش با هدف کاربردی و به‌صورت مطالعات اسنادی و کتاب‌خانه‌ای به بررسی وحدت حقوقی بین‌المللی اسناد رسمی مبتنی بر فرضیات و واقعیات پرداخته است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: بررسی‌ها نشان می‌دهد، بروز موانع و چالش‌ها در این مسیر علیرغم کند کردن روند، هرگز موفق به متوقف کردن آن نگردیده است. علاوه بر آن، تشکیل کنوانسیون‌ها و معاهدات و تأسیس سازمان‌های بین‌المللی از شیوه‌های مؤثر قاعده-سازی و ایجاد قوانین هماهنگ میان کشورها است.

نتیجه: نتایج نشان داد، ایجاد وحدت حقوقی در قلمرو بین‌المللی و در شاخه‌های مختلف، به‌عنوان اقدامی که جهان را در رسیدن به صلح و امنیت یاری می‌رساند. هم‌چنین، تکیه بر اصول حقوقی بین‌الملل و نگرشی واقع‌بینانه بر وقایع، سبب یکسان و هماهنگ‌سازی قوانین حقوقی بین‌الملل خواهد شد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۱۷-۴۳۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵

واژگان کلیدی:

حقوق بین‌الملل، قوانین متحد-الشکل، هماهنگ‌سازی، معاهدات، سازمان‌های بین‌المللی.

نویسنده مسئول:

داریوش شهریاری

آدرس پستی:

ایران، بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، دانشکده حقوق، گروه حقوق بین‌الملل.

کد ارکید:

0009-0000-3463-4521

تلفن:

پست الکترونیک:

shahriari137@gmail.com

۱. مقدمه

المللی دولتی و غیر دولتی و با دیده اغماض رویه‌های قضائی و آرای دیوان‌های بین‌المللی و حتی عرف جهانی، تعهد به پذیرش و اجرای مقررات تصویبی توسط آن‌ها، علاوه بر رعایت اصل همکاری که موجب گردهمایی کشورها و تشکیل جامعه بین‌المللی می‌شود و اراده مشترک در جهت حصول منافع مشترک که موجب تداوم آن می‌گردد، اصل ارادی و رضائی بودن پذیرش و اجرای قوانین فراملی، نوید رسیدن جامعه جهانی به اهدافی چون صلح و امنیت جهانی را می‌دهد. در مقابل این اشتیاق چالش‌هایی چون: منفعت طلبی و دفاع از حاکمیت ملی و مقاومت در مقابل قوانین فراملی، میراث سنتی دولت‌ها است که موجب کندی و یا گاه توقف این روند می‌شود. در این پژوهش با این فرضیه‌ی اصلی که تشکیل کنوانسیون‌ها، معاهدات و تأسیس سازمان‌های بین‌المللی، شیوه‌ای موثر در قاعده‌سازی و ایجاد قوانین هماهنگ میان کشورها می‌باشد، به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی بوده که آیا ایجاد وحدت حقوقی در قلمرو بین‌المللی و در شاخه‌های مختلف، یکسان و هماهنگ‌سازی قوانین حقوق بین‌الملل و تکیه بر اصول حقوقی بین‌الملل و نگرشی واقع‌بینانه بر وقایع، جهان را در رسیدن به صلح و امنیت یاری می‌رساند؟

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر، توصیفی-تحلیلی است. هم‌چنین، این پژوهش با هدف کاربردی و به صورت مطالعات اسنادی و کتاب‌خانه‌ای به بررسی وحدت حقوقی بین‌المللی اسناد رسمی مبتنی بر فرضیات و واقعیات پرداخته است.

زندگی گسترده و فراملی اجتماعی بشر، امروزه شرایط متفاوتی را به وجود آورده که ضرورت‌های ایجاد قوانین متحدالشکل، هماهنگ و حتی یکسان را تقریباً در همه موضوعات مبتلابه جامعه جهانی و بهره‌گیری از آن را در پیشرفت تکنولوژی و گسترش مراودات و تبادل اطلاعات حتی به صورت الکترونیک و تسهیل و تسریع در آن‌ها شاهد هستیم. الزاماتی چون؛ ضرورت ایجاد وحدت حقوقی در عین کثرت قوانین و یافتن تعادل و توازن میان نیاز به رژیم‌های مختلف حقوقی و در مقابل اهمیت حفظ یکپارچگی و ایجاد یک چارچوب کلی به شکل حقوق بین‌الملل با حد معینی از انسجام و امنیت. ضرورت‌های اقتصادی با یکسان‌سازی قواعد و اصول حاکم بر مبادلات و تعهدات بازرگانی در سطح بین‌الملل و برقراری ارتباطات بازرگانی راحت و آزادانه در سطح تجارت بین‌الملل و اعمال عادلانه‌ترین روش‌های حل و فصل اختلافات تجاری، ضرورت‌های سیاسی و بین‌المللی و نمایش ژست مردم سالاری و سیاست دموکراتیک کشورها و حمایت از حقوق بشر به عنوان حقوق بنیادین که در خدمت حفظ و ارتقای کرامت و انسانیت بشر و نیز خروج از اتهامات استبدادی توسط نظام بین‌الملل و یا حتی اجبار و ملاحظات غیرارادی برگرفته از زندگی بین‌المللی، همگی موجب می‌گردد کشورها تمامی تلاش خود را برای ارائه وجهه مثبت و هماهنگ با جامعه جهانی و استقبال از نهادهای قاعده‌ساز و تعهد به الزام به آن قوانین بکار بندند. نیاز جامعه جهانی به ایجاد قوانین متحدالشکل امروزه به‌طور متداول با تشکیل کنوانسیون‌ها و معاهدات دو یا چند جانبه و یا حتی جهانی میان کشورها و تأسیس سازمان‌های بین-

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

بررسی‌ها نشان می‌دهد، بروز موانع و چالش‌ها در این مسیر علیرغم گند کردن روند، هرگز موفق به متوقف کردن آن نگردیده است. علاوه بر آن، تشکیل کنوانسیون‌ها و معاهدات و تاسیس سازمان‌های بین‌المللی از شیوه‌های مؤثر قاعده‌سازی و ایجاد قوانین هماهنگ میان کشورها است.

۵. بحث

جهانی شدن واقعیتی انکارناپذیر است که هم از منظر نهادها، مفاهیم و ارزش‌های حقوقی و هم از منظر شکلی، الگوبرداری و تقنینی حایز اهمیت است. همین امر موجب شده تا ضرورت یکسان و متحدالشکل سازی قواعد به منظور تأمین اثربخشی و قابلیت پیش‌بینی آن‌ها بیشتر احساس شود. متحدالشکل سازی بین‌المللی، شامل تمام تلاش‌هایی است که با هدف غلبه بر تفاوت‌های میان نظام‌های حقوقی داخلی متعدد، از طریق بسط سیستمی از قوانین که جایگزین قوانین ملی موجود در تنظیم یک موضوع معین می‌شود صورت می‌گیرد (کارولیس، ۲۰۱۰، ۹۱). یکنواخت‌سازی قانون، منجر به ساده‌سازی، انسجام قوانین پراکنده و نظام‌مند شدن حقوق شده، میزان اختلافات را کاهش داده و صلح و امنیت بین‌المللی را به همراه خواهد داشت.

هماهنگ‌سازی یا تقارب نظام‌های حقوقی، به عنوان فرایند نزدیک‌سازی اصول راهبردی مشترک، با اصل

حاکمیت دولت‌ها سازگاری بیشتری دارد. تقارب قوانین در هریک از دو حالت فوق‌الذکر از دو مرحله اساسی تشکیل شده است؛ ابتدا هنجارها و قواعد جهانی که قابلیت پذیرش بین‌المللی و جهانی داشته باشند به کمک حقوق تطبیقی و با توجه به نیازها و ضرورت‌های مشترک زیست بین‌المللی بشری جمع‌آوری، کشف و شناسایی می‌شوند. معمولاً این وظیفه از طریق کمیسیون‌های تخصصی سازمان ملل و به صورت تصویب معاهداتی که از خصلت جهان شمولی برخوردار است انجام می‌پذیرد. مانند کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ و کنوانسیون رم برای تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری ۱۹۹۸. سپس در مرحله دوم این هنجارها و قواعد در سطوح مختلف حقوقی در گستره جهانی تکثیر می‌شود (جلالی امیرمقامی، ۱۳۹۰، ۹۹). امروزه برخی مؤسسات معتبر و سازمان‌های بین‌المللی اعم از دولتی و غیردولتی با بکارگیری بهترین متخصصان و حقوقدانان متبحر در جهان به تهیه و تدوین قوانین نمونه با داشتن ویژگی‌هایی چون عدم ارتباط با حکومت خاصی و در نتیجه حاکمیت ملی کشورها، عدم استفاده از ایدئولوژی خاص و در نتیجه عدم تهدید ایدئولوژی ملی دولت‌ها و تنظیم منظم، دقیق و تخصصی این قوانین و پذیرش آن‌ها توسط اکثر حکومت‌ها در زمینه تخصصی خود در ضمن رعایت اصول قانون‌گذاری و توجه به نیازهای جامعه جهانی و با استفاده از نتایج مطالعات و تحقیقات علمی و تطبیقی پرداخته و آن را در اختیار نهادهای قانونگذاری کشورهای مختلف قرار داده‌اند (جلالی؛ توسلی اردکانی، ۱۳۹۸، ۱۳۵). به جهت سهولت و امکان بررسی ضرورت‌ها و میزان تأثیرپذیری ناشی از متحدالشکل نمودن قوانین در

ایجاد حق و هم در مرحله اثرگذاری آن و نیز تقلب نسبت به قانون در عناصر مادی و معنوی مانع اجرای حقوق مکتسبه می‌شود؛ اما می‌بایست برای کاهش این اثرات نامطلوب به تفسیر مضیق و استفاده موردی و استثنایی و نیز تعیین معیارهای مشخص برای احراز عناصر فوق اقدام نمود (رستمی، ۱۳۹۸، ۲۳۰). یک قاعده متحدالشکل تمام عیار در خصوص مسائل حقوقی مشخص، می‌بایست قاعده‌ای ماهوی باشد که راهکاری کامل و مشخص ارائه می‌دهد. این قاعده می‌بایست بتواند به‌طور مستقیم وارد نظام-های حقوقی دولت‌ها شده و از سوی آنان مقید و مشروط نگردد؛ اما در شرایط کنونی، نظام‌های حقوقی، قوانین فراملی را تا حد عدم تعارض با قوانین آمره ملی می‌پذیرند و از این‌رو به کرات آنان را مورد ارزیابی قرار داده و رد می‌نمایند.

• ضرورت حمایت از اموال

با تقسیم‌بندی اموال به اموال منقول و غیر منقول و تعریف خاص هر کدام در قوانین، احکام متفاوتی برای آن‌ها به وجود آمده است. شناسایی حقوق مکتسبه برای اموال منقول، ناظر به وضعیتی است که افراد در کشور متبوع کسب نموده و این حقوق مکتسبه در سایر نقاط نیز قابل اجرا خواهد بود. اما در خصوص اموال غیر منقول که امکان جابجایی برای آن‌ها وجود ندارد موضوع تا حدی پیچیده‌تر است. امروزه حمایت حقوق بین‌الملل از حقوق مکتسبه بر اموال تحت عنوان مسئولیت دولت‌ها برای ورود ضرر به اتباع بیگانه مورد تضمین قرار گرفته و در صورت نقص آن، کشور پذیرنده مقصر و مسئول به جبران خسارت خواهد بود و احترام به اموال خصوصی از اصول اساسی حقوق همه کشورها محسوب می‌-

چهارچوب مشخص، به بررسی آن در حوزه‌هایی چون حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی پرداخته خواهد شد.

• ضرورت‌های حقوقی

لزوم و ضرورت احترام و حمایت حقوق در تمامی اقسام آن از نظر بین‌المللی از آنجا ناشی می‌شود که ایجاد قوانین متحدالشکل علاوه بر برقراری نظم در سطح جامعه جهانی، صلح و امنیت بین‌المللی و اعتماد و امنیت روانی را برای صاحبان حق به دنبال خواهد داشت. در عصر کنونی با مهاجرت‌های افراد، حضور بیگانگان در کشورهای دیگر و تغییر تابعیت و یا اقامتگاه آن‌ها، رعایت و حمایت از حقوق افراد امری اجتناب‌ناپذیر است. حقوق مکتسبه بین‌المللی یکی از اصول حقوق بین‌الملل؛ حقوقی است که افراد در کشور خود و یا کشور ثالث تحت حاکمیت قانون مربوطه (صلاحیت‌دار) و به‌صورت کامل و قطعی به دست آورده و خواستار اجرای آن در سایر کشورها هستند (Fernandez؛ Lopez, 2017, 14). مبنای و ضرورت رعایت حقوق مکتسبه؛ احترام به قواعد حقوق بین‌الملل عمومی و لزوم پایبندی به یکی از بنیادی‌ترین اصول کلی حقوق بین‌الملل، جنبه حقوق بشری حقوق مکتسبه افراد که آنرا بعنوان حقوق اولیه و طبیعی انسان‌ها و از مصادیق رعایت و احترام به آن تبدیل می‌کند، تعامل بین-المللی میان دولت‌ها و احترام متقابل و اعتقاد به (اصل تحمل تفاوت) مبنی بر شناسایی قوانین خارجی و تایید اعتبار آن‌ها در جهت همزیستی مسالمت‌آمیز با یکدیگر، همگی اهمیت احترام و رعایت حقوق مکتسبه را دو چندان می‌نمایند. اگرچه وجود برخی موانع از جمله نظم عمومی هم در مرحله تشکیل و

انگاشتن توقعات (انتظار مشروع) که براساس قانون، رویه و شرع به وجود آمده، قابل پذیرش نخواهد بود.

• **ضرورت حمایت از احوال شخصیه**

احوال شخصیه، احکامی نظیر اموال منقول دارد لذا کسب آن در قلمرو یک کشور و اجرای آن در کشور دیگر قوانین خاص خود را می‌طلبد و مصادیق آن همچون اهلیت، حقوق خانوادگی، زوجیت و ارث در نظام‌های حقوقی مختلف متفاوت است. کشورهای آنگولاساکسون (دارای حقوق کامان لا) احوال شخصیه را تابع قانون اقامتگاه دانسته و کشورهای رومی ژرمنی، آن را تابع قانون دولت متبوع افراد می‌دانند. لزوم اجرای قوانین متبوع فرد به دلیل داشتن مزایایی چون همخوانی قوانین ملی با اهداف قوانین شخصی و نیز رعایت اصل نزاکت بین‌المللی و احترام به حقوق مکتسبه و عدالت بین‌المللی، موجبات دوام و استحکام وضعیت حقوقی افراد و دوری از تزلزل آن را به همراه خواهد داشت و مناسبتر به نظر می‌رسد.

بعنوان مثال ازدواج بعنوان یکی از مهمترین مصادیق حقوق مکتسبه در زمینه احوال شخصیه است که با شناسایی و حمایت آن از ارکان خانواده حمایت می‌شود. کنوانسیون مراسم ازدواج و شناسایی اعتبار زوجیت سازمان کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه (جایگزین کنفرانس ۱۹۰۲ لاهه)، کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و منشور بنیادین اتحادیه اروپا و نیز کنوانسیون بین‌المللی پناهندگان از نمونه‌هایی است که به حل و فصل قوانین مرتبط با ازدواج پرداخته و به رسمیت شناخته شدن اعتبار ازدواج افراد، در خارج از مرزهای کشورهای عضو را الزامی می‌دانند. احوال شخصیه در حقوق معاصر ایران، قانون اساسی مشروطه و متمم آن (مصوب ۱۳۲۴ و

شود) (Miller, 2013, 397). سازوکارهای بین‌المللی حمایت از اموال در حقوق مکتسبه نشان می‌دهد که مغایرت قوانین کشورهای مختلف، پارادوکسی است که حقوق بین‌الملل باید به شعبده‌ای آنرا بر طرف نماید. معمولاً مهم‌ترین این سازوکارها توسط سازمان‌های بین‌المللی و در کنفرانس‌های بین‌المللی خلق و لازم الاجرا می‌شود. بعنوان مثال:

سازمان کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه که هدف آن ایجاد امنیت حقوقی و قضایی در روابط اشخاص در جهت تسهیل روابط و معاملات میان آن‌ها و وحدت تدریجی قوانین کشورهاست، همواره سعی کرده در قالب کنوانسیون‌های مختلف قواعد حل تعارض پیشنهاد داده و آن‌ها را به اجرا گذارد. کنوانسیون بین‌المللی پناهندگان و کنوانسیون بین‌المللی افراد بی‌تابعیت، کلیه دولت‌های عضو کنوانسیون را به شناسایی و احترام نسبت به حقوق مکتسبه از جمله مالکیت در اموال منقول پناهندگان ملزم می‌کند. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر که به حقوق مربوط به اموال خصوصی افراد پرداخته است، به‌طور مشخص پروتکل شماره ۱ این کنوانسیون به حق استفاده مسالمت‌آمیز افراد از تصرفاتشان اشاره دارد و بدین وسیله شناسایی و تضمین حق مالکیت افراد را برای کشورهای عضو لازم می‌داند (Danilenko, 2024, 5). تعارض زمانی قوانین، مقررات، مصوبات دولتی و تصمیمات و اطلاعات اداری در گذشته و آینده، به تضییع حق‌های مکتسب ناشی از آن‌ها یا نتایج ناشی از قراردادهای منعقد شده مقامات در گذشته یا نادیده انگاشتن انتظارات و توقعات مشروع ناشی از آن‌ها منتهی می‌شود. این تضییع حق‌ها (حقوق مکتسبه) و نادیده

مرزهای معین همان کشور نیز زندگی می‌کنند، شهروند محسوب می‌گردند (هاشمی، ۱۴۰۰، ۸۸-۹۵). کلیه شهروندان بصورت کاملاً رسمی از عضویت قانونی و یکسان در یک اجتماع برخوردارند و هیچ علتی نمی‌تواند ایشان را از این حق مسلم محروم نموده و یا برای آن سلسله مراتبی قرار دهد (Marshall, 1970, 183). امروزه مبحث شهروند جهانی، به‌عنوان شخصی که می‌تواند در هر سطحی با هر فردی، صرف نظر از فرهنگ و کشور خود، با استفاده از مهارت‌هایی چون مشارکت مدنی و اثربخشی سیاسی، همدلی فرهنگی، احترام به تنوع، توانایی دستیابی به توافق از طریق راه‌حل‌های صلح‌آمیز، از جمله بحث، مذاکره و گفتگو، در سطح جهانی ارتباط برقرار کند، مورد توجه قرار گرفته و یکسری حقوق را برای شهروندان مشخص می‌کند و ایشان را فاقد از هر گونه استثنایی، برخوردار از این حقوق می‌داند، وظایفی را نیز برای ایشان منظور نموده که می‌بایست به آن‌ها بپردازد (السان، ۱۳۸۷، ۱۴-۱۶). با توجه به ارتباط تنگاتنگ وحدت حقوق بشر و حقوق شهروندی، از جمله مهم‌ترین اسناد بین‌المللی که به بحث حقوق شهروندی پرداخته، اعلامیه و اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر می‌باشد که حقوق اشخاص و مذهب را به رسمیت می‌شناسد. نتیجتاً حقوق شهروندی نماد یک ماهیت و چیستی خواهد بود که در مرحله‌ی نخست همه‌ی تابعین و مقیمان یک کشور و در وهله‌ی بعد کلیه‌ی مردمان جهان را به یکدیگر متصل می‌کند (Miller, 2013, 175-179). با توجه به ماهیت فرهنگی-اجتماعی حقوق شهروندی در اسناد بین‌المللی و لزوم بالابردن شناخت و آگاهی نسبت به این حقوق و تکالیف متقابل دولت‌ها و اتباع، می‌بایست آموزش حقوق بشر

به‌عنوان مهم‌ترین و یکی از قدیم‌ترین قانون‌های نوشته ایران به شیوه‌ی امروزی، مقررات خاصی در مورد چگونگی رعایت احوال شخصیتهای بیگانگان یا اقلیت‌های مذهبی نداشته و تنها در اصل ششم قانون اساسی به ذکر در امان بودن جان و مال اتباع خارجه مقیم ایران اکتفا شده و در بند سوم اصل بیست‌وهفتم متمم قانون اساسی، تشکیل دو نوع محکمه شرعیه و عرفیه، پیش‌بینی شده که البته مربوط به اقلیت‌های مذهبی می‌باشد. با تصویب قانون محاکم شرع، وظایف و اختیارات محاکم شرع در قانون مشخص گردیده است. بر طبق ماده‌ی هفتم این قانون، بخشی از امور مربوط به احوال شخصیه مانند دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق و مواردی که قطع و فصل دعوی جز به اقامه بینه یا حلف ممکن نیست و امور دیگری چون نصب قیم یا وصی یا ناظر و ضم امین در صلاحیت این محاکم قرار گرفته است. با این حال، در مورد احوال شخصیه اقلیت‌های مذهبی تا قبل از تصویب جلد دوم قانون مدنی، دادگاه‌ها در احوال شخصیه طبق قوانین مذهب جعفری حکم صادر می‌کردند. لذا برای رسیدن به این مقصود، فتاوی علمای امامیه را از کتب فقهی به دست می‌آوردند و از قول مشهور پیروی می‌کردند. مذهب امامیه نیز در مسائل مربوط به احوال شخصیه و حقوق ارثیه، نسبت به پیروان مذاهب آسمانی دیگر، قوانین مذهبی مربوط به خود آنان را لازم‌الرعایه می‌داند.

• ضرورت حمایت از حقوق شهروندی

شهروند به یکایک اشخاصی که در خاک یک کشور حیات می‌گذرانند، اطلاق می‌گردد. در این بیان مشخص، اشخاصی که به عنوان تبعه در بیرون از

قوانین جدید و اختلاف‌های ناشی از تفاوت قوانین ملی را به حداقل رسانده و با انعطاف‌پذیری خود، وابستگی کمتری به نظام‌های حقوقی و حاکمیت داشته و امکان تغییرپذیری بیشتری را ایجاد نمایند. از سوی دیگر، زمانیکه دولت‌ها یا حکومت‌ها، مرتبط با سازمان‌های مهم و فعال اقتصادی باشند مجبور خواهند بود که در برابر امتیازات بازرگانی و اقتصادی بدست آمده در نتیجه‌ی عضویت در سازمان از قوانین یکسان و برابر این سازمان‌ها پیروی کند. در اینگونه موارد، تنها اهرم حقوقی، نمی‌تواند دولت‌ها و حکومت‌ها را مجبور به قبول قوانین نماید، بلکه اهرم اقتصادی بالاترین فشار را بر حاکمیت دولت‌ها وارد می‌نماید (شیروی، ۱۳۸۷، ۵).

کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد (آنسیترال) بعنوان یک نهاد وابسته به سازمان ملل مکرراً بیان نموده که اصول و قوانین ارائه شده در متون حقوقی آنسیترال، منطبق با قوی‌ترین اصول و قوانین اقتصاد دنیا و احتمالاً مدرن‌ترین آنهاست و به نوعی، مطلوبیت طرح‌های آن مورد تایید اکثر کشورها قرار گرفته است. تلاش‌های صورت گرفته بمنظور یکپارچه‌سازی اصول و مقررات در عرصه‌های بازرگانی را می‌توان در ۳ حوزه دسته‌بندی کرد که در ادامه بیان شده است (Červenková, 2008, 10):

- ✓ رفع یا تنزل اختلافات موجود در قوانین و مقررات ملی
- ✓ گرایش به تعیین قوانین تازه بمنظور مسائل جدید با نیت ضمانت رقابت یکسان

و شهروندی در رأس فعالیت دولت‌های قانون‌مدار قرار گرفته و مجریان قانون کسانی باشند که خود عامل قانون بوده و خادم واقعی مردم‌لذا، باید زمینه هماهنگ‌تری برای پیوند شهروندان به یکدیگر در اسناد و قوانین جهانی مشخص گردد و آثار مثبتی چون ایجاد حس ارتباط، پیوند، احساس هویت و شخصیت جهانی که انگیزش لازم را به منظور حمایت از حق و حقوق هم‌نوعان در همه‌ی نقاط دنیا بوجود می‌آورد و همچنین، محدود شدن دخالت در سرنوشت و امور دیگران تنها به دلیل انجام تعهد را شاهد بود.

• ضرورت‌های اقتصادی

ارتباط دیرینه تجارت میان جوامع مختلف باعث گردیده تا هدفگذاری به منظور متحدسازی و یکپارچگی، با اولویت مسئله‌ی تجارت و بازرگانی شروع گردد. دولت‌ها رفته رفته متوجه شدند که مقررات مرتبط با مبادلات بازرگانی می‌بایست به صورتی دگرگون گردد که بتواند اقدامات بازرگانان بین‌المللی را، به بهترین صورت ضمانت نماید. متحدالشکل‌سازی، به مفهوم یکپارچه نموده قوانین و مقررات حاکم بر قراردادهای بازرگانی در عرصه بین‌المللی است تا با برقراری قانونی یکسان، ارتباطاتی راحت و آزادانه در سطح تجارت بین‌الملل، تضمین شود (جلالی؛ شکوری، ۱۳۹۲، ۱۵۲). از آنجایی که قوانین متحدالشکل در حقوق قراردادهای از انواع قوانین فراملی محسوب می‌شوند، دولت‌ها تلاش دارند علیرغم محدودیت‌ها و مشکلات متحدالشکل‌سازی در حقوق قراردادهای، با در نظر گرفتن مواردی مانند نفع مشترک و حذف مسائل غیر ضروری، مشکلات تصویب و اجرای این نوع

✓ اثرگذاری فرهنگی و حقوقی جوامع روی یکدیگر

حقوقی و گاه با وضع قوانینی جدید به استناد عرف بازرگانی فراملی، به این مهم دست می‌یابند.

• ضرورت‌های اجتماعی

زندگی گسترده و فراملی اجتماعی بشر، امروزه شرایط متفاوتی را به وجود آورده است که یکسان سازی قوانین در جهت تسهیل و تسریع آن بسیار ضروری است.

۵-۱. ایجاد وحدت در کثرت حقوق

وحدت و کثرت، فرایندهایی در مسیر حیات حقوق بین‌الملل هستند (شهبازی، ۱۳۸۸، ۱۶). نخستین مفهومی که از وحدت بر می‌آید تجانس عناصر موجود در سیستم حقوقی یا یکنواختی و یکدستگی در نظام حقوقی است. کثرت که فرایندی متعلق به دوران معاصر حقوق بین‌الملل هم نیست شامل موضوعات، هنجارها، رژیم‌ها و نهادهای حقوقی فراوانی می‌شود که در گستره حقوق بین‌الملل وجود داشته و مدت‌ها است که با حقوق بین‌الملل آمیخته-اند (شهبازی؛ قربانپور، ۱۳۹۲، ۱۳۳). به نظر عده‌ای از اندیشمندان، کثرت دارای آثار مخربی بر تجلی نهادین و منسجم یک سیستم مقتدر حقوقی در صحنه بین‌المللی است (خمامی زاده، ۱۳۸۲، ۱۱۸). در اصل وحدت زمینه لازم را فراهم می‌آورد تا سیستم حقوق بین‌الملل به حیات خود ادامه دهد و کثرت، نشان از پویایی و تنوع شناسی آن دارد. کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در گزارش نهایی خود در همین زمینه، در نهایت به این نتیجه می‌رسد که کثرت، تهدیدی علیه سیستم حقوق بین‌الملل نیست، زیرا اگر تعارضات انعکاسی از تکثر یا تنوع باشند، برداشتی که از آن‌ها می‌شود، معمولاً

البته در کنار محاسن بسیار متحدالشکل‌سازی قوانین تجاری، اندک آسیب‌های آن به‌ویژه زمانی که اجرای آن به نفع همه دولت‌ها خصوصاً کشورهای در حال توسعه نباشد و موجب نادیده گرفتن سایر اهداف و ارزش‌های مشروع و دادن اختیارات فراوان به قدرت‌های برتر اقتصادی با پیش‌دواری‌های تجاری که ناشی از عدم طراحی و پیگیری علمی توسط نهادهای تخصصی و حقوقی است به چشم می‌خورد (Reich, 2004, 32).

قوانین متحدالشکل، با هدف حمایت از قراردادها و از میان برداشتن موانع تجاری بین‌المللی و همچنین وضع قواعد برای موضوعات جدید، همواره می‌کوشند تا اختلاف‌های ناشی از تفاوت قوانین خود را به حداقل برسانند و امنیت حقوقی لازم، برای فعالیت‌های اقتصادی را تامین کنند. قوانین متحدالشکل، از جمله قوانین فراملی محسوب شده و می‌توانند به دو صورت الزام آور یا اختیاری، راهکار مسئله حقوقی را پیشنهاد کنند. دو نوع قوانین یادشده، می‌توانند تنها راهکاری برای حل تعارض قوانین تلقی شوند و یا فراتر از آن، قاعده ماهوی وضع کنند. همکنون؛ سازمان‌های متعدد دولتی، نیمه دولتی و خصوصی، فعالان اصلی در طراحی قواعد متحدالشکل بوده و در قالب اسنادی مانند کنوانسیون‌ها با الزام‌آوری بیشتر و یا اسنادی مانند اصول و راهنماهای حقوقی (تنها به روش اقناع وجدانی دولت‌ها)، تصویب و اجرای قوانین متحدالشکل اقتصادی را سرعت داده‌اند. سازمان‌های یادشده در مواردی با تطبیق و تقریب نظام‌های

در نهایت این نظم حقوقی بین‌المللی و شرکت در این همکاری گسترده و بهره‌مندی از منافع آن ضرورت سیاسی است که دولت‌ها را بدان گرایش داده است. از دیدگاه دیگر؛ اندیشهٔ مردم‌سالاری و سیاست دموکراتیک در کشورها و حمایت از حقوق بشر بعنوان حقوق بنیادین که در خدمت حفظ و ارتقای کرامت و انسانیت بشر است از مهمترین وظیفه دولت‌هاست و این مهم تحقق نمی‌یابد جز با ایجاد بستر و شرایط مناسب برای بهره‌مندی آن‌ها از آنچه که به‌عنوان قوانین مناسب به وجود آمده است. بنابراین دولت‌ها موظفند برای خروج از شرایط و اتهامات استبدادی توسط نظام بین‌الملل، تمامی تلاش خود را نموده و این خود موجب گشودن درهای خود به سوی قوانین یکسان و بین‌المللی و ترسیم چهره‌ای نیکو در انظار جامعهٔ بین‌الملل است.

۵-۲. موانع ایجاد وحدت حقوقی

در جریان سریع و بی‌وقفه جهانی شدن، کشورها می‌کوشند تا مرزهایشان را کمرنگ‌تر کرده و اتحاد بزرگتری را تشکیل دهند؛ اما این امر در برخی موارد موجب پیچیده‌تر شدن روابط میان کشورها و تهدید حاکمیتشان شده و واکنش منفی آن‌ها را در قبال پذیرش آن به‌دنبال می‌آورد و در نتیجه تحقق کامل آن را با مشکلات و موانعی مواجه می‌نماید که از آن میان ذیلاً به چند مورد اشاره می‌شود.

• تعارض و تضاد منافع

تعارض و یا تضاد منافع به شرایطی گفته می‌شود که دولت‌ها در انجام وظایف خود با منافع سایر دولت‌ها مواجه می‌گردند. در واقع منافع آن‌ها در عرض هم قرار می‌گیرد. اتحادهای حقوقی موفق محصول حفظ

بستگی به نگاه ناظر دارد (DUPUY, 2007, 23). وحدت و کثرت فرآیندهایی در مسیر حیات حقوق بین‌الملل هستند که به ظاهر در مقابل یکدیگرند، اما به گونه‌ای با مقتضیات حقوق بین‌الملل هماهنگ شده‌اند که مانع از تهدید جدی سیستم حقوق بین‌الملل است. در حقیقت بدون وحدت، سیستم حقوق بین‌الملل قادر به ادامهٔ حیات نیست و بدون کثرت، تنوع و پویایی لازم را نخواهد داشت. جهانی شدن سیاست، موقعیتی است جهت یکسان-سازی سیاست‌ها و قوانین دولت‌ها در رابطه با قواعد بین‌المللی و جهانی که خواسته با ناخواسته، به نظام بخشی قواعد و اصول حقوقی به منظور نظم‌بخشی به این امور محتاج می‌باشد (فلسفی، ۱۳۷۱، ۱۵۳). به بیان دیگر اجبار و ملاحظات غیر ارادی برگرفته از زندگی بین‌المللی، کشورها را به پذیرش نسبی قوانین خارجی ناچار می‌نماید. در کنار اصل همکاری که موجب گردهمایی کشورها و تشکیل جامعه بین‌المللی شده و اراده مشترک در جهت حصول منافع مشترک که موجب تداوم آن می‌گردد، اصل ارادی و رضائی بودن پذیرش و اجرای قوانین فراملی نیز موجب می‌گردد تا در جامعه بین‌المللی، یک یا چند کشور از این امکان برخوردار باشند که دیگر دولت‌ها را ملزم به پذیرش تعهد کرده و در جایگاه قانون‌گذار بین‌المللی عمل نمایند (بیگزاده، ۱۴۰۲، ۷).

مصادق بارز این موضوع معاهدات دو یا چند جانبه (در حکم قانون) است؛ قواعدی حقوقی که از نظر عینی و فارغ از ویژگی‌های طرفین پیمان و قرارداد دارای اعتبار بوده و نشانه‌ی مشخصه‌ی آن همسان بودن محتوا و یا مفهوم آن است که طرفین بر سر حصول آن توافق کرده‌اند (فلسفی، ۱۴۰۲، ۱۶۲). اما

حاکمیت در حقوق داخلی موضوع تسلطی است که بر عناصر داخلی سازنده دولت‌ها یعنی جمعیت، سرزمین و حکومت وجود دارد (برتری اراده و قدرت یک دولت بر تابعان) و در عرصه حقوق بین‌الملل به شکل نمود خارجی تسلط بر عناصر برشمرده شده تجلی می‌یابد (آزادی و مصون بودن یک دولت از هر گونه سلطه و نظارت دولت‌های دیگر) که حداقل از نظر حقوقی موجبات برابری دولت‌ها را فراهم می‌سازد. حاکمیت که در قلب حقوق بین‌الملل قرار دارد معمولاً با مفاهیمی چون قدرت، اقتدار و صلاحیت نیز انطباق پیدا می‌کند که در عین جدا بودن از حاکمیت، حاکمیت دولت را هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین‌المللی استقرار می‌بخشد (نژندی‌منش و همکاران، ۱۳۹۱، ۳۰). از اوایل قرن نوزدهم میلادی تحت تأثیر آموزه‌های مکتب حقوق طبیعی و پدید آمدن نهادهای بین‌المللی راه تحدید حاکمیت کشورها گشوده شد (زمانی، ۱۴۰۲، ۹۸). مبنای اقدام دولت‌ها در محدود نمودن حاکمیت خود که از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین موضوعات بین‌المللی است؛ اصل آزادی اراده و رضایت دولت‌ها در متعهد ساختن خودشان و ایجاد حقوق بین‌المللی برای افراد و ملت‌ها در برابر دولت‌ها است؛ اصلی که دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری هم در سال ۱۹۲۷ در پرونده لوتوس آن را مورد اشاره قرار داد (Nicholson, 1965, 18).

از عوامل فرسایش این حاکمیت، جهانی شدن به معنای فشردگی در زمان و مکان، محوشدن مرزها و پیوند تنگاتنگ زندگی مردم در سراسر جهان با یکدیگر، پیدایش بازارهای جدید جهانی، ابزارهای

منافع مشترک همه کشورها در سطوح مختلف با توجه به نیازهای روز آن‌ها و حذف مسائل غیر ضروری همچون وضع قواعد ماهوی در مواردی که تعیین قواعد (حل تعارض متحداً شکل) کفایت می‌کند است (شاپیرا، ۱۴۰۲، ۵۰). رعایت اصل نفع مشترک دولت‌ها اقتضا دارد که مسائل غیرضروری نیز از طرح پیشنهادی حذف یا به طور مستقل هدایت شوند (جلالی؛ شکوری، ۱۳۹۲، ۱۷۰). شاید یکی از بهترین نمونه‌ها در این خصوص اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع (همسود) که انجمنی داوطلبانه متشکل از ۵۶ کشور و ایالت مستقل است. مطابق اعلامیه سنگاپور در سال ۱۹۷۱ هیچ یک از دولت‌ها در اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع در عمل بیش از دیگر دولت‌ها سلطه بر امور ندارد بلکه هرکدام از این دولت‌ها به عنوان یکی از اعضای سیاسی این اتحادیه حضور دارد و در چارچوب ارزش‌ها و اهداف مشترک و مشخص همکاری دارند.

• تکثرگرایی و تعارض نظام‌های حقوقی

نظام حقوقی به‌عنوان مجموعه وسیعی از قواعد و نهادهای حقوقی هماهنگ و منسجم و مرتبط، متناسب با مسائلی چون هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، سابقه تاریخی، وضعیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی هر کشور شکل می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت به تعداد کشورها بلکه بیشتر، نظام حقوقی وجود دارد که بر اساس عناصر و ملاک‌های مختلف مانند مبنای نظام، اصول و قواعد، منابع و روش تفسیر و اهداف طبقه‌بندی می‌شوند (شیروی، ۱۴۰۱، ۱۱۸).

• تضاد حاکمیت

واکنش دولت‌ها به ایجاد، پذیرش و پایبندی به قوانین متحدالشکل بسته به موضوعاتی که در ضمن آن قوانین مطرح می‌شود، متفاوت است. برای مثال اگر قوانین متحدالشکل حاوی قواعد ماهوی باشد و بطور غیرمستقیم تضاد قوانین و مقررات را نیز ملقی نماید به دو گونه به توان عملیاتی خواهد رسید؛ در تعدادی از کشورها نیازی به تأیید و پذیرش توسط دولت‌ها نداشته و فقط با عضویت دولت در منبع ایجاد قوانین لازم الاجرا می‌شود و در روش دوم، دولت‌ها از طریق تأیید و پذیرش مراجع قانون‌گذار رسمی و عرفی داخلی، قوانین و مقررات تعهد یا قرارداد مربوطه را پذیرفته و مفاد مشخصه آن را لازم-الاجرا محسوب می‌کنند و در مرحله بعد همین قواعد هماهنگ اجرایی شده، می‌تواند به دو روش نظام حقوقی دولت‌های متعهد و عضو را تحت تأثیر قرار دهند یا به صورت اثرگذاری مستقیم که اعضا را موظف می‌نماید تا قواعد و اصول مشترک و یکسان را دقیقاً در قوانین و مقررات داخلی خویش اعمال کرده و جزئی از حقوق آن‌ها گردد و یا به صورت تأثیر غیر مستقیم که دولت‌ها را آزاد می‌گذارد که قوانین خود را با قواعد متحدالشکل، هماهنگ کنند و قوانین هماهنگ، متناسب با نظام داخلی‌شان را اجرا کنند (کخدایی، ۱۴۰۱، ۱۱) و شکل سوم اینکه قواعد متحدالشکل را به صورت داوطلبانه می‌پذیرند و خود را مقید به رعایت آن حتی در قوانین داخلی خود می‌گردانند. این هماهنگ سازی میان قوانین از راه‌های متفاوتی محقق می‌شود. مهمترین آن‌ها انعقاد انواع پیمان‌ها و معاهدات بین-المللی میان دولت‌ها تحت عناوینی چون کنوانسیون و توافقنامه و یا از طریق انواع سازمان‌های بین‌المللی

جدید چون شبکه‌های اینترنتی، تلفن همراه و ...، بازیگران جدید بین‌المللی مانند سازمان‌های بین-المللی غیر دولتی و شرکت‌های چندملیتی و در نهایت ایجاد قواعد و مقررات جدید جهانی همچون موافقت‌نامه‌های چندجانبه و سایر روش‌های ایجاد قوانین متحدالشکل در موضوعات مختلف اشاره کرد که همگی موجب کاهش اقتدار و تحدید حاکمیت ملی و تعدیل منافع ملی به منافع مشترک شده و این خود موجبات مقاومت و عدم استقبال کشورها در ایجاد و پیوستن به قوانین بین‌المللی را فراهم آورده و از جمله موانع بزرگ در این زمینه بشمار می‌رود. در حقیقت آنچه امروز به عنوان حکمرانی جهانی بعنوان مجموعه‌ای از ایده‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، رویه‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی است که به تمام بازیگران، شامل دولت‌ها، سازمان‌های بین‌دولتی، جامعه مدنی و شرکت‌ها فراملی کمک می‌کند تا مشکلات فرامرزی را شناسایی، درک و حل‌وفصل کنند، به دلیل لزوم همگامی سیاست‌های دولت‌ها در راستای ارزش‌ها و اهداف مشترک بشریت و همکاری دولت‌ها با سایر بازیگران دولتی و غیردولتی در مدیریت موضوعات جهانی، مفهوم حاکمیت دولت را به چالش کشیده و تعبیر کاملی از حاکمیت متناسب با مقتضیات زیست انسان. یعنی حاکمیتی که قادر به ایفای تعهدات بین‌المللی و قادر به حمایت از شهروندان خویش باشد و از ارزش‌های بشری پاسداری کند را می‌طلبد که با عقاید آرمانی برتری جویی و برخورداری از حاکمیت مطلق دولت‌ها در تضاد است (زمانی؛ طلعت، ۱۳۹۹، ۸۰).

۵-۳. اشکال ایجاد وحدت حقوقی

اعم از دولتی و غیر دولتی و مفاد مندرج در اساسنامه آن‌ها که مورد قبول کشورهای عضو قرار می‌گیرد.

۵-۴. انعقاد معاهدات بین‌المللی

مطابق آنچه در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بیان گردیده است. یکی از منابع صوری حقوق بین‌الملل معاهدات عام یا خاص بین‌المللی است که به سبب آن‌ها قواعد و مقرراتی پدید آمده است و طرفین اختلاف آن قواعد را صریحا پذیرفته‌اند. رسمی‌ترین تعریف از معاهده را در بند ۱ ماده ۲ عهدنامه ۱۹۶۹ حقوق معاهدات می‌توان مشاهده نمود. در یکی از طبقه بندی‌های کلی به لحاظ نظم مادی معاهدات به دو دسته معاهده در حکم قرارداد و معاهده در حکم قانون تقسیم می‌شوند که در اینجا دسته دوم به دلیل قرابت موضوعی با این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. معاهدات در حکم قانون، قواعد حقوقی هستند که بیانگر اراده مشترک طرفین یا اطراف آن بوده و از نظر عینی و فارغ از ویژگی‌های طرفین، پیمان دارای اعتبار بوده و نشانه مشخصه آن همسان بودن محتوا و یا مفهوم آن بوده که طرفین بر سر رسیدن به آن توافق نموده و متعهد شده‌اند و رعایت آن الزامی است (منشور ملل متحد) (فلسفی، ۱۴۰۲، ۱۵۴-۱۶۲). این نوع معاهدات بیشتر از سایر ابزارهای متحدسازی، به اتحاد قوانین کمک می‌کنند. از لحاظ میزان تاثیر معاهدات قانون ساز در قوانین داخلی کشورها می‌توان آن‌ها را در سه گروه جای داد. معاهداتی که برای طرفین تعهد خود، حداقلی از اصول و مبانی را در رابطه با موضوع معین، الزامی داشته، دولت‌ها و حکومت‌ها را از تعیین قوانین و مقررات مخالف و متضاد منع نموده و ایشان را موظف می‌نماید که با

تعیین مقررات و قوانین نوین یا دستکاری و بازنویسی مقررات و قوانین کنونی، ایجاد و برپایی این چنین حقوقی را در خاک خویش ضمانت نمایند. معاهدات مربوط به رعایت حقوق بشر، حقوق کودکان، حقوق زنان، حقوق اقلیت‌ها و ... از این دسته قوانین هستند. دسته دوم معاهداتی هستند که تنها بخشی از مقررات ملی عضو الحاقی را مطابق با مفاد خود می‌نمایند. مانند کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره قراردادهای بیع بین‌المللی کالا وین (۱۹۸۰) که قوانین داخلی دول عضو را صرفا در خصوص موضوع بیع بین‌المللی کالا تابع مقررات خود قرار می‌دهند (شیروی، ۱۴۰۱، ۶۳).

در کنار این دو دسته، معاهداتی نیز وجود دارند که از لحاظ قابلیت فراتر محدوده مصرح در آن عمل می‌کنند و حتی نسبت به دولت‌هایی که معاهده را امضا نموده و در حقیقت به آن نپیوسته‌اند نیز مجری است. این موضوع در بسیاری از قراردادهای تجاری میان دولت‌ها به چشم می‌خورد (ام گوود، ۱۳۸۶، ۲۲۸). علیرغم محاسن بسیار معاهدات و استقبال اکثر کشورها از پذیرش قوانین آن‌ها؛ اما کماکان حفظ حاکمیت مطلق و برتری قوانین داخلی بر قوانین بین‌المللی و حساسیت دولت‌ها در پذیرش قواعد متحدالشکل بین‌المللی و متعهد بودن به آن موجب می‌گردد در مواردی که آن قوانین را حافظ منافع خود ندانسته و یا نسبت به آن تشکیک کنند آن را نامطلوب دانسته و از عضویت در معاهده خودداری نمایند و یا در صورتی که تحت فشارهای بین‌المللی عضو آن گردند با استفاده از حق شرط در معاهده دامنه اجرایی آن را محدود کنند. همین امر دلیل تمایل بیشتر دولت‌ها در پیوستن به توافقنامه-

۵-۵. تأسیس سازمان‌های بین‌المللی

سازمان‌های بین‌المللی، یکی از فعالان و تاثیرگذاران کنونی در عرصه متحدالشکل سازی قوانین بین‌المللی هستند. یک سازمان بین‌المللی به تجمعی از دولت‌ها اطلاق می‌شود که بر اساس یک سند تاسیس تشکیل می‌شود و اعضای آن اهداف مشترکی را در چارچوب نهادها و کارگزاری‌های ویژه با فعالیت مستمر و مداوم دنبال می‌کنند (موسی‌زاده، ۱۳۹۵، ۲۹). تمامی سازمان‌های بین‌المللی در هر طبقه و گروهی که قرار بگیرند نیازمند اختیارات و صلاحیت تقنینی در حدود وظایف خود می‌باشند. این صلاحیت تقنینی که منجر به صدور اساسنامه آن (مقرراتی است که برای همه اعضای آن لازم‌الاجرا است) قوانین یکسانی را به وجود می‌آورد (Collins, 2023, 39-40). روند ایجاد قواعد یکسان و هماهنگ از طریق سازمان‌های بین‌المللی نسبت به سایر نهادهای موضوعه از جمله معاهدات دارای مزایایی چون سرعت بیشتر، هماهنگی بیشتر با نیازها و ضروریات روز دنیا، ماهیت تقنینی بیشتر و برتری نسبت به قوانین داخلی، کسب بیشترین موافقت و تراضی اعضا و ... بوده تا جایی که دیوان بین‌المللی دادگستری علیرغم عدم پذیرش تصمیمات سازمان‌ها در شمار منابع حقوق بین‌الملل آن‌ها را واجد ارزش حقوقی مسلم دانسته است (مانند قطع‌نامه‌های صادره از مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد).

سازمان‌های بین‌المللی قاعده‌ساز خود در سه گروه دولتی، نیمه‌دولتی و غیر دولتی به فعالیت می‌پردازند. سازمان‌های بین‌الملل دولتی دارای قدرت بالایی در وضع قوانین متحدالشکل ناشی از تبعیت دولت‌های عضو می‌باشند. از آنجا که عضویت در این

های منطقه‌ای است. زیرا با توجه به اشتراکات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نیازها و منافع مشترک کشورهای موجود در یک منطقه و شناخت بیشتر آن‌ها از یکدیگر و نیز حضور اعضای کمتر در مقابل امکان مذاکره و به اصطلاح چانه‌زنی بیشتر مطلوبیت فراوانتری را خواهد داشت. در کنار این معاهدات قانون ساز، نوع دیگری از قاعده‌سازی بین‌المللی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان (معاهدات غیرالزامی) نیز نامید که اگرچه از میزان الزام‌آوری و ضمانت اجرایی و گستردگی کمتری نسبت نوع قانون ساز برخوردار است اما مورد توجه تعداد زیادی از کشورهای قرار گرفته است. در واقع این معاهدات غیرالزامی با بررسی و واکاوی و مطالعات جامع الاطراف متون حقوقی را در موضوعات مختلف بعنوان قوانین نمونه به کلیه دولت‌ها ارائه و توصیه کرده و به‌طور غیر مستقیم به کشورها اجازه می‌دهند بدون اجبار به پذیرش کامل آن و با رعایت اصول و قوانین داخلی خود از مفاد آن برای ایجاد قوانین متحدالشکل میان خود استفاده نمایند. این قوانین نمونه اکثراً در معاهدات تجاری مورد استفاده قرار گرفته و منجر به حسن روابط میان طرفین و در نهایت نوعی وحدت حقوقی بین‌المللی ایجاد نموده و به حقوق بازرگانی فراملی تبدیل می‌شود. به‌عنوان مثال مقررات مربوطه به آئین حل‌وفصل اختلافات تجاری از طریق سازش، میانجی‌گری و داوری و یا مقررات و رویه‌های متحدالشکل اعتبارات اسنادی که از سوی اتاق تجاری بین‌المللی تنظیم شده و به صورت داوطلبانه مورد پذیرش و عمل بیشتر بانک‌های دنیا قرار گرفته است.

دارند. مقامات سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه آن‌هایی که در رأس هرم سازمانی قرار دارند می‌توانند از طریق تصدیق یا تنقید رفتار دولت‌های عضو که با قواعد خاص در انطباق هستند، دولت‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. علاوه بر این سازمان‌های بین‌المللی عرصه-ای را تمهید می‌نمایند که دولت‌ها می‌توانند در آن اطلاعات مرتبط با اقدامات خود و موقعیت‌هایی را که درباره مفاد و وضعیت قواعد حقوق بین‌الملل زیر نظر دارند، به اشتراک گذارند. در صورتی که قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد حمایت‌های لازم را از جانب دولت‌ها کسب نمایند به‌عنوان دلیلی مورد استناد قرار می‌گیرند.

۶. نتیجه

بطور کلی تقارب قوانین، فرآیندی جهت ارتقای آگاهی و هماهنگی بیشتر میان بازیگران عرصه بین‌المللی می‌باشد. این تقارب چه به شکل یکسان‌سازی و یا هماهنگی میان قوانین و چه از طریق معاهدات و یا سازمان‌های بین‌المللی که حاصل آید، ضرورتی است همه‌جانبه که جامعه جهانی برای ادامه حیات در سایه صلح و امنیت بین‌المللی، نیازمند آن است. شاید بهترین نمونه برای امکان‌سنجی یکسان و هماهنگ‌سازی قوانین، حقوق بین‌الملل کیفری است که از دادگاه کیفری لاهه در سال ۱۹۹۳ شروع شد و تا سال ۱۹۹۴ که آئین دادرسی کیفری جهانی با در نظر گرفتن استاندارد واحدی به نام دادرسی عادلانه و سال ۱۹۹۸ که اساسنامه دیوان در سکوت قوانین ملی و ارائه تعریف یکسانی از جرائم چهارگانه بین‌المللی برای همه کشورهای تدوین شد، ادامه پیدا کرد و با وجود اصلاحات مکرر تقریباً در همه سنن حقوقی لحاظ گردیده است (دل‌ماس مارتی، ۱۳۷۸،

سازمان‌ها به‌دلیل مزایای زیاد سیاسی و اقتصادی، فرصتی ممتاز و عالی به حساب می‌آید، دولت‌ها و حکومت‌ها، به‌صورت تلویحی مجبور می‌گردند که بمنظور حفظ و نگهداشت منافع خویش با روند یکپارچگی و متحدسازی قواعد و قوانین، هماهنگ و همگون گردند. سازمان ملل متحد و یا سازمان تجارت جهانی نمونه‌های جهانی و اتحادیه اروپا نمونه منطقه‌ای از این سازمان‌هاست (Kelly, 2008, 609). سازمان‌های قاعده‌ساز نیمه دولتی اصولاً با نیت اصلی یکپارچگی و وحدت بخشی و افزایش سطح هماهنگی بین قوانین حقوقی دولت‌ها و حکومت‌ها پایه‌گذاری گردیده و قوانین معین شده در این سازمان‌ها از سوی دولت‌ها، داوطلبانه پذیرفته و اجرا می‌شوند. مانند سازمان بین‌المللی کار، صندوق بین‌المللی پول و یا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی. نوع غیردولتی این سازمان‌ها برای طرفین قراردادها، قواعد و استانداردهای حقوقی را طراحی و تدوین می‌کنند. این قواعد در صورت انطباق با نیازها و کارآمد بودن، استفاده می‌شوند. اتاق‌های بازرگانی بین‌المللی و یا آکادمی بین‌المللی حقوق تطبیقی از جمله این سازمان‌هاست (خمامی‌زاده، ۱۳۸۲، ۲۴۹). سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند مستقیماً در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی مشارکت نمایند. به‌طور نسبی تا به امروز این مسئله توجهات اندکی را به خود جلب نموده است. به‌طور سنتی حقوق بین‌الملل عرفی محصول رویه و اجماع نظر حقوقی دولت‌ها (نگرش دولت‌ها در خصوص آنچه حقوق بین‌الملل روا می‌دارد یا لازم می‌داند یا منع می‌کند) بوده است. روشن است که سازمان‌های بین‌المللی به‌طور غیرمستقیم با شکل دادن به اعمال و نگرش دولت‌ها بر حقوق بین‌الملل عرفی تأثیر

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

۱۴۹). از دیگر عرصه‌های بسیار مهم و موفق در زمینه یکسان‌سازی قوانین، حقوق بشر است. امروزه هر کشوری حداقل یکی از معاهدات حقوق بشری را که در برگیرنده تعهداتی درباره حمایت از این حقوق است به تصویب رسانده است. از آنجایی که این حقوق حاوی ارزش‌ها و اصول جهان شمول است، با قاطعیت می‌تواند مبنای هماهنگ‌سازی قوانین میان کشورها باشد.

اگرچه امروزه اعمال فشارها و وضع الزام‌ها و محدودیت‌هایی بر کشورها توسط جامعه جهانی موجب گردیده است که دولت‌ها خواه ناخواه به رعایت نظام حقوق بین‌الملل متعهد و یا مکلف باشند و سیستم سنتی حفظ حاکمیت و منافع کم‌رنگ شود. بنابراین می‌توان گفت که فرسایش حاکمیت‌های ملی و تعدیل اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها، خود مقدمه یکسان‌سازی حقوق محسوب می‌شود. در نهایت به نظر نگارنده یکسان‌سازی و هماهنگ کردن قوانین، واقعیتی غیر قابل انکار، واقعی و گریزناپذیر است، حتی اگر وقوع آن طولانی شود، تنها راه نجات از همه چالش‌ها بوده و زندگی در سایه آرامش برای همه افراد بشر جز با نزدیک شدن به یکدیگر و ایجاد دهکده واقعی جهانی امکان‌پذیر نخواهد بود. آنچه امروزه در خصوص یکسان‌سازی قوانین اتفاق افتاده، گویای این امر است که این روند نه تنها از حرکت نخواهد ایستاد بلکه سرعت بیشتری نیز خواهد گرفت و چالش‌های پیش‌رو نمی‌تواند در رسیدن به این امر مانعی ایجاد نماید.

منابع

فارسی

- رستمی، مرتضی، ساکارهای حمایت از حقوق مکتسبه اشخاص حقیقی در کشور بیگانه، چاپ دوم، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۸.
- زمانی، سیدقاسم، فرآیند انسانی شدن حقوق بین-الملل و چالش‌های فراروی آن، چاپ ششم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۴۰۲.
- زمانی، سیدقاسم؛ طلعت، آرمن، «فرسایش حاکمیت ملی در حقوق بین‌الملل معاصر»، فصلنامه حقوق بین‌الملل، شماره ۶۲، ۱۳۹۹.
- شهبازی، آرامش، «تأملی در وحدت کثرت و نظام حاکم بر سیستم حقوق بین‌الملل»، فصلنامه حقوق بین‌الملل، شماره ۴۱، ۱۳۸۸.
- شاپیرا، ژان، حقوق بین‌الملل بازرگانی، چاپ دهم، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۴۰۲.
- شهبازی، آرامش؛ قربان‌پور، محمد، «بررسی قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون ۱۹۶۱ لاهه راجع به ضرورت لغو تصدیق اسناد عمومی بیگانه»، فصلنامه حقوق بین‌الملل، شماره ۴۹، ۱۳۹۲.
- شیروی، عبدالحسین، نقش آنسیترال در توسعه حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ هفتم، تهران، انتشارات آوای عدالت، ۱۴۰۱.
- شیروی، عبدالحسین، حقوق تطبیقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۴۰۱.
- فلسفی، هدایت‌اله، «روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰، ۱۳۷۱.
- السان، مصطفی، «حقوق شهروندی از چشم‌انداز نظریه شهروندی جهانی و قوانین و مقررات ایران»، فصلنامه حقوق بشر، شماره ۲، ۱۳۸۷.
- ام‌گوود، روی، «عرف و پذیرش آن در حقوق بازرگانی فراملی»، مجله حقوقی، شماره ۳۶، ۱۳۸۶.
- بیگزاده، ابراهیم، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۴۰۲.
- جلالی، محمود؛ شکوری، معصومه، «روند متحدالشکل سازی حقوق قراردادها در سطح بین-المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۳، ۱۳۹۲.
- جلالی امیرمقامی، محمود، «کارکرد حقوق بین-الملل در فرایند جهانی شدن»، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳، ۱۳۹۰.
- جلالی، محمود؛ توسلی اردکانی، سعیده، «ضرورت ایجاد نظام هماهنگ حقوقی بین‌المللی در مقابله با جرائم در فضای مجازی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴، ۱۳۹۸.
- خماسی‌زاده، فرهاد، «درآمدی بر روند یکسان‌سازی وحدت حقوق خصوصی»، مجله تخصصی الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۹، ۱۳۸۲.
- دلماس مارتی، میری، «جهانی شدن حقوق: فرصت‌ها و خطرات»، فصلنامه حقوق بین‌الملل، شماره ۲۴، ۱۳۷۸.

fragmentation of international law. *Eur. J. Legal Stud.*, 1, 25.

- Fernandez , T .Antonio , Lopez , G. Diego, (2017) , The impact and consequences of brexition acquired rights of eu citizens living in the uk and british citizens living in the eu-27 , Eu Policy Department For Citizen Rights And Constitutional Affairs.

- Danilenko, G. M. (2024). Law-making in the International Community (Vol. 15). Brill.

- Kelly, C. R. (2007). Institutional alliances and derivative legitimacy. *Mich. J. Int'l L.*, 29, 605.

- Miller, D., & Ali, S. (2013). Testing the national identity argument. *European Political Science Review*, 6(2), 237-259.

- Marshall , Thomas Humphrey , (1970), *Social Policy in the Twentieth Century*.

-Nicholson, F. J. (1964). The protection of foreign property under customary international law. *BC Indus. & Com. L. Rev.*, 6, 391.

- فلسفی، هدایت‌اله، حقوق بین‌الملل معاهدات، چاپ نهم، تهران، انتشارات نشر نو، ۱۴۰۲.

- کدخدایی، عباس، ساختار و حقوق اتحادیه اروپایی، چاپ یازدهم، تهران، نشر میزان، ۱۴۰۱.

- موسی‌زاده، رضا، سازمان‌های بین‌المللی، چاپ بیستم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۵.

- نژندی‌منش، هیبت‌اله؛ حسینی آزاد، سیدعلی؛ احسن‌نژاد، مسعود، «حاکمیت دولت‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، فصلنامه حقوق بشر، شماره ۲، ۱۳۹۱.

- هاشمی، سیدمحمد، حقوق بشر و آزادی‌های عمومی، چاپ ششم، تهران، نشر میزان، ۱۴۰۰.

لاتین

- Collins, R. (2023). Beyond binary oppositions? The elusive identity of the international organization in contemporary international law. *International Organizations Law Review*, 20(1), 28-51.

- Červenková, L. (2008, May). Europeanization and Unification of Private International Law. In COFOLA 2008 Conference: Key Points and Ideas, Brno: Masarykova univerzita (p. 56).

- De Carolis, D. (2010). Some Features of the Harmonisation of International Trade Law in the Third Millennium. *Unif. L. Rev.*, 15, 37.

-Dupuy, P. M. (2007). A doctrinal debate in the globalisation era: on the